توضیح

مینوی، مجتبی

حال که سلسلهء مقالات خانم شهناز اعلامی و دوست ما آقای سید محمد علی جمال‏زاده در باب کلمات عربی الاصل موجود در شاهنامه در آن مجله بپایان رسیده است مناسب دید به اطلاع خوانندگان‏ محترم آن مجله برساند که در سال 1953 میلادی در جزء انتشارات او نیورسیته نوشاتل(سویس) کتابی منتشر شده بعنوان Observations sur le vocabulaire arabe du Cha?hna?meh (ملاحظاتی در باب الفاظ عربی در شاهنامه)بقلم پروفسور پول هومبر Paul Humbert دارای 74 صفحه،که در آن اولا فهرست تمامی کلمات عربی الاصل شاهنامه‏ را داده است(984 کلمه،یعنی صد کلمه‏ای بیش از آنچه آقای جمال‏زاده قید کرده‏اند)،ولی بعضی‏ الفاظ را از قلم انداخته است(مثلا اثیررا)و بعد یک سلسله ملاحظات و نکات کلی در باب آنها نموده‏ و بیان کرده است از قبیل اینکه فلان کلمات هریک بیش از صد بار آمده است(22 تا)و فلان‏ الفاظ بین پنجاه و صدبار و فلان لغتها دو بار و یک بار،و اینکه این الفاظ هرکدام جزء چه دسته از لغات است(مربوط است به جنگ و سلاح و لشکرکشی،یا به احساسات،یا به‏ اوصاف،یا به عادات،به جهان‏شناسی،یا جانواران،یا طرز اداره و حکومت،یا لباس یا دین و غیره)،و در آخر کتاب فصلی هم در این باب دارد که چه خوب بود مطالعهء خاصی در هزار بیت منسوب به دقیقی از همین لحاظ می‏شد و بین دسته لغاتی که او و فردوسی بکار برده‏اند مقایسه‏ای بعمل می‏آمد.معلوم است که این الفاظ را مؤلف در جزء 984 کلمهء شاهنامه بحساب‏ نیاورده است.حق اینست کسانی که می‏خواهند در این موضوع کار کنند و مقاله‏ای بنویسند این رسالهء پروفسور هومبر را مطالعه کنند.

رباعی

با دشمن تو دوست چو شد پیوندش‏ ز ان دوست ببر بترس از لبخندش‏ دندان که چهل سال ترا دوست ببود با کرم چو شد دوست بباید کندش